

اسلام‌هراسی در اروپا؛ بررسی موردی فیلم «فتنه»

نوشته

حسینعلی افخمی*
محمد نیک‌ملکی**

چکیده

اسلام‌هراسی طرح هدفمندی است که توسط دولت‌های غربی برای مقابله با رشد فزاینده گرایش به دین اسلام و بیداری اسلامی در غرب به‌ویژه در اروپا با متصف کردن اسلام به تروریسم و... و بازنمایی دین اسلام به عنوان تهدیدی جدی برای جهان غرب و ادیان دیگر پس از ۱۱ سپتامبر تاکنون در ابعاد شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی با بهره‌گیری از رسانه‌های خبری دنبال می‌شود. در مقاله حاضر ضمن بررسی اجمالی مراحل اسلام‌هراسی و اشاره به برخی از آثار رسانه‌ای، موضع‌گیری‌ها، اقدامات مقامات و دولت‌های اروپایی در این خصوص، همچنین با پرداخت به بازنمایی اسلام در رسانه‌های اروپایی با اشاره به نتایج تحقیقی درباره برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی ای.آر.دی (ARD) و زد.دی.اف (ZDF) آلمان، در نهایت به تحلیل و نقد فیلم «فتنه» ساخته گریت وایلدرز در زمینه اسلام‌هراسی پرداخته شده است.

کلیدواژه: اسلام‌ستیزی، بازنمایی اسلام، شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان، بنیادگرایی، اسلام و تروریسم، اسلام‌هراسی در هلند، گریت وایلدر و فتنه.

مقدمه

اسلام‌هراسی (Islamophobia) مفهومی است که به پیش‌داوری و هراس و تبعیض غیرمنطقی ضداسلام و مسلمانان اشاره دارد که پس از ۱۱ سپتامبر، غرب تلاش می‌کند نوعی نگاه منفی به

* استادیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی hafkhami48@yahoo.com

** کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات mnnews@vocketmail.com

اسلام در سراسر جهان غرب حاکم کند و از این طریق، نوعی برخورد سلبی نسبت به گسترش اسلام شکل بگیرد.^۱ در سال‌های اخیر موج جدید اسلام‌ستیزی در غرب، به‌ویژه در اروپا شدت بیشتری یافته است. این رویکرد حاکی از آن است که دولت‌های غربی، با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغات نادرست از اسلام و پیروان آن در جهان، تصویری رادیکال به مخاطبان خود بازنمایی می‌کنند. رویکرد رسانه‌های ارتباط جمعی غرب به‌گونه‌ای است که در کنشی فرایندمدار با القای مفاهیمی نادرست در مورد اسلام، این دین آسمانی را دینی خشن، حامی تروریسم، ناقض حقوق زنان و اقلیت‌های قومی و دینی و ارتجاعی نشان دهند.

با وجود تصاویر کلیشه‌ای و کج‌فهمی‌هایی در مورد اسلام در غرب به دلیل تبلیغات رسانه‌ها، پیش‌داوری و نادیده‌انگاری پاره‌ای از واقعیات، هنوز به اسلام، با عناوینی نظیر «افراطی‌گری»، «تروریسم» و «بنیادگرایی» نگریسته می‌شود. تقابل غرب با اسلام، از زمان مواجهه آن با این دین آغاز شد و در پی جنگ‌های صلیبی و استعمار ملل مسلمان، این جریان تشدید یافت، اما در سال‌های اخیر، روند اسلام‌هراسی در غرب، شتاب بیشتری یافته و در کنار هالیوود، شبکه‌های خبری غربی به مهم‌ترین ابزار تبلیغی نوین برای مبارزه با اعتقادات مسلمانان در زمینه اسلام‌ستیزی سیاسی نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. به تعبیر ادوارد سعید:

«رسانه‌ها و کارشناسان آمریکایی و غربی تعیین می‌کنند که ما نسبت به بقیه جهان (دیگران) چه اندیشه‌ای داشته باشیم. اینکه به‌جای بحث علمی در مورد اسلام، ما تنها روزنامه‌نگارانی را مشاهده می‌کنیم که خبری را دست چین کرده آن را مجدداً گزاف‌پردازی نموده در رسانه خود منتشر می‌کنند. وی اسلام رسانه‌ها را کنشی یک‌جانبه می‌داند که نشان می‌دهد آنچه اعراب و مسلمانان انجام می‌دهند، در بالاترین سطح عیوب ذاتی قرار دارد و آن‌ها مردم را ابزار رسانه، از اسلام می‌ترسانند. در بسیاری از موارد نه تنها اسلام با بی‌دقتی آشکار ترسیم شده است بلکه تبیین‌های قوم‌گرایانه بی‌دروپیکر، نفرت‌های فرهنگی و حتی نژادی و دشمنی‌های ژرف و در همان حال متناقض و دلخواه نیز در این اطلاع‌رسانی‌ها مشاهده می‌شود» (سعید، ۱۳۷۹: ۵۱).

در واقع اسلام‌هراسی نوعی از «مدیریت برداشت‌هاست» که بیشتر توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد. به قول نیل پستمن:

«ما واقعیت را آن‌گونه که هست، نمی‌بینیم بلکه آن‌گونه که می‌بینیم که زبان‌هایمان هستند و زبان‌های ما رسانه‌های ما هستند و رسانه‌های ما استعاره‌های ما» (Postman, 1984: 123).

این برداشت‌ها با اهداف گوناگون از جمله جلوگیری از رشد گرایش به اسلام در غرب و تخریب درونی مسلمانان هدایت می‌شود. در ضرورت پرداختن به این بحث همین کافی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های مهم روز عید فطر ۱۳۸۸ ترویج اسلام‌هراسی و

همچنین، ایران‌هراسی را دو راهکار استکبار و در رأس آن آمریکا برای جلوگیری از اتحاد و انسجام دنیای اسلامی ارزیابی کردند و فرمودند:

«دولت آمریکا در دوره رئیس‌جمهور قبلی، تلاش‌های زیادی ضد دنیای اسلام و همچنین ضد ایران انجام داد و دولت فعلی آمریکا هم با وجود سخنان و پیام‌های به‌ظاهر دوستانه، همان سیاست اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی را دنبال می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز عیدفطر: ۱۳۸۸).

در ادامه به بررسی تاریخی مراحل اسلام‌هراسی یا اسلام‌ستیزی، اجمال می‌پردازیم.

مراحل اسلام‌هراسی

پدیده اسلام‌هراسی در دنیای معاصر را می‌توان به لحاظ تاریخی در سه مرحله تقسیم‌بندی کرد. این مراحل به اجمال عبارتند از:

مرحله اول

مرحله اول این طرح به صورت مشخص از اواخر دهه ۸۰ میلادی آغاز شد. چرایی عملیاتی شدن اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی به موضوعاتی چون پیروزی انقلاب اسلامی و رشد و از سرگیری جریان‌های تندرو و بنیادگرای اسلامی در جهان اسلام دانست. انقلاب اسلامی ایران در سال‌های نخست پیروزی، باعث به وجود آمدن و ظهور خودآگاهی دینی در میان مسلمانان و بازپایی هویت اسلامی شد و این مهم گفتمان بیداری اسلامی را به منصفه ظهور رسانید و گفتمان بیداری اسلامی به تدریج به گفتمان مسلط جهان اسلام تبدیل گردید. انتشار کتاب «آیات شیطانی» توسط سلمان رشدی، نویسنده مرتد انگلیسی و اهانت به پیامبر (ص) و دیگر مقدسات اسلامی را می‌توان در همین جهت ارزیابی کرد. جهان غرب در برابر اعتراضات گسترده مسلمانان به این کتاب موهن، نه تنها انتشار آن را ممنوع نکرد بلکه بارها از کتاب و نویسنده آن، تجلیل کرد.

مرحله دوم

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ آغاز می‌شود. با فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق مطابق دیدگاه‌های محافظه‌کارانه افرادی چون «لئو اشتراوس» مبنی بر وجود یک دشمن واقعی یا فرضی به عنوان یکی از راهبردهای سیاست خارجه ایالات متحده، طرح اسلام‌هراسی مورد اهتمام و توجه بازیگران سلطه‌گر قرار گرفت. در همین راستا، مراکز تصمیم‌ساز ایالات متحده سعی کردند برای پرکردن خلأ بیگانه‌هراسی و محاصره‌اندیشی، خطر اسلام را جایگزین خطر کمونیسم کنند.

در این مرحله، راهبرد اسلام‌هراسی را از مجاری صرف تبلیغاتی خارج کردند و به آن زیرساخت به اصطلاح علمی و فرهنگی دادند. ساموئل هانتینگتون نظریه «برخورد تمدن‌ها» را در این رابطه در سال ۱۹۹۳ مطرح کرد. هانتینگتون در نظریه خود که به جهان پس از فروپاشی بلوک شرق نظر دارد، سخن از شکل‌گیری تمدن‌ها می‌کند و از این پس روابط و منازعات بین‌الملل را در عرصه فرهنگی و تمدنی می‌داند. وی از میان تمدن‌های نام برده بیش از همه بر تمدن اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که جهان غرب باید به گونه‌ای این تمدن را مهار کند. القای این مفاهیم که قوانین اسلامی ناقض حقوق بشر است، اسلام دینی خشونت‌طلب و مروج عصبیت است، دین اسلام بنیادگرا و مخالف علم و پیشرفت است، اسلام مولد اندیشه تروریسم است و... بخشی از اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در این مرحله را شامل می‌شود.

مرحله سوم

سومین موج اسلام‌هراسی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجارهای نیویورک و واشینگتن عملیاتی شد. در این مرحله رسانه‌های تحت کنترل نظام سلطه سعی کردند بنیان روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون سازند؛ از این رو به شدت و حدت گسترده‌ای این عبارت را که خطوط گسل تمدنی بین اسلام و غرب فعال شده است، القا می‌کردند.

انتساب این حادثه به اسلام‌گرایان، این احساس را در دولت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا به وجود آورد که با آزادی عمل بیشتر می‌توانند حملات تبلیغاتی و حتی نظامی را علیه مسلمانان تدارک ببینند. جورج بوش رئیس‌جمهوری آمریکا، به اصطلاح مبارزه با تروریسم را «جنگ صلیبی» خواند و شخصیت‌های تندرو و افراطی آمریکایی و اروپایی، اهانت به مقدسات مسلمانان را در دستور کار خود قرار دادند. حتی ویلیام کوهن، وزیر دفاع اسبق آمریکا، مقابله با اسلام را «جنگ جهانی چهارم» خواند. آمریکا در چنین فضایی، افغانستان و عراق را اشغال کرد و حملات رسانه‌ای به مسلمانان افزایش یافت.

انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز ضد پیامبر اسلام (ص) در روزنامه‌های دانمارکی و تقدیر آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، از این کاریکاتوریست و همچنین تولید فیلم، سخنان ضد اسلامی گروه‌های موجه اروپایی و حتی شخص پاپ، حرکت‌های خائنانه گروه‌های تروریستی مانند القاعده در اروپا، علاوه بر اینکه شیوه‌های جدید اسلام‌ستیزی در غرب به‌ویژه در اروپاست، همه و همه تلاش‌هایی است تا ذهن مردم اروپا را در فرایندی رسانه‌ای به سمت اسلام‌هراسی سوق دهد (اسلام‌هراسی از سربرنیتتا تا الشربینی، ۱۳۸۸).

دو روز پس از انفجارهای ۱۱ سپتامبر، روزنامه هرالد‌تریبون در مقاله‌ای به قلم جان وینکور نوشت که این حوادث برخورد تمدن‌های اسلامی و غرب را آشکار ساخته است (موج سوم اسلام‌ستیزی غرب، ۱۳۸۹).

بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر بود که جورج بوش اعلام می‌کند که جنگ‌های صلیبی دوباره شروع شده است. وی کشورها را از این پس به دو گروه دوست و دشمن ایالات متحده تقسیم‌بندی می‌کند. که «هر شخص با ما نیست، پس بر ماست». از این رو، سخن از محور شرارت می‌کند و کشورهای ایران، کره شمالی و سوریه را کشورهای حامی تروریست و نقض‌کننده منافع دنیای آزاد و جهان غرب معرفی می‌کند.

اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی توسط رسانه‌های وابسته به صهیونیسم نظام سلطه آنچنان ساماندهی شد که نخست وزیر وقت ایتالیا در اظهاراتی نسنجیده تمدن غرب را اصیل‌تر از تمدن اسلامی خواند و مسلمانان را به علت آنچه او فرودستی می‌نامید، مورد تحقیر قرار داد. در ادامه این روند، فوکویاما یک ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین تأکید کرد که اسلام تنها نظام فرهنگی است که مدرنیته غربی را تهدید می‌کند. او تصریح کرد که آمریکا می‌تواند برای شکستن مقاومت کشورهای اسلامی در برابر مدرنیته از توان نظامی خود استفاده کند (سراج، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

شبکه‌های خبری و اقدامات کشورهای اروپایی در زمینه اسلام‌ستیزی

با توجه به تقسیم بالا و بی‌اساس بودن تبلیغات کشورهای غربی ضداسلام، این سؤال پیش می‌آید که چرا عقاید مسلمانان این‌گونه مورد بی‌احترامی و اهانت قرار می‌گیرد و غرب پس از فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ و افول کمونیسم، اسلام را به عنوان قدرتمندترین مکتب در مقابل خود می‌بیند.

بدون شک، یکی از اهداف تبلیغات ضد اسلامی در غرب، هراساندن مردم مغرب‌زمین از اسلام است؛ در این‌گونه تبلیغات با استفاده از ابزارهای گوناگون از قبیل فیلم‌ها، کتاب‌ها، مطبوعات و اینترنت، به مخاطب غربی القاء می‌شود که اسلام در حال پیشروی و گسترش است و به زودی اروپا و آمریکا را فرا می‌گیرد. این درحالی است که با همه این تبلیغات مخاطبان زیادی در غرب، به دلیل ارزش‌ها و تعالیم مترقی و منطقی آن به اسلام گرایش پیدا می‌کنند. غرب با همه این اوصاف از طریق رسانه‌هایی نظیر تلویزیون، مجلات، رادیوها، با وارونه جلوه دادن حقایق، مسلمانان را تروریست نشان می‌دهد.

تهیه و پخش مستند «جنگجویان الهی» (شهریور ۱۳۸۶) توسط کریستین امانپور تهیه‌کننده و خبرنگار سابق شبکه سی.ان.ان (NNC) اخیراً وی به شبکه ای.بی.سی. (A.B.C) منتقل شده است. در این مستند شش ساعته سه قسمتی کوشید دیدگاه هانتینگتونی را در این مستند عملیاتی کند. ایده اصلی این فیلم به‌ویژه در قسمت دوم این مستند با عنوان «دین اسلام» مبتنی بر این مفروض است که ادیان ذاتاً دارای خشونت هستند و در این راستا، با به تصویر کشیدن رفتار نادرست معدودی از افراد متحجر و افراطی همچون طالبان را به عنوان نظر و نماینده

اسلام و اعتقاد همهٔ مسلمانان در قالب آنتی بازنمایی می‌کند. وی در ادامه در سنتزی اتهامی به مخاطبان القاء می‌کند که دین اسلام دین خشونت‌آمیز است و در نهایت، در قسمت سوم این مستند به عنوان «مسیحت»، در اروپا با انتخاب کشور هلند در راستای اسلام‌هراسی افزایش مسلمانان در این کشور را به مثابه نمونه‌ای در اروپا تهدیدی جدی برای غیرمسلمانان القاء می‌کند.

درحوزهٔ شبکه‌های خبری نیز برای مثال، بعد از سه انفجار فروردین ۱۳۸۹ در متروی روسیه و اعلام دست داشتن مسلمانان در این حملات، ترس از مسلمانان و اسلام‌هراسی در این کشور بالا گرفت. اعلام دست داشتن مسلمانان در سه انفجار اخیر صورت گرفته در متروی روسیه، توسط مقامات این کشور، موج جدیدی از اسلام‌هراسی و ضدیت با مسلمانان را در روسیه به راه انداخت.

یکی از نمایندگان ارشد حزب محافظه‌گرای رئیس‌جمهور فرانسه ۲۲ دی ماه ۱۳۸۸ طرحی را پیش از موعد مقرر برای ممنوعیت روبنده زنان مسلمان در خیابان‌ها و اماکن عمومی به مجلس این کشور ارائه کرد. هرچند این طرح توسط ژان فرانسوا کپه به عنوان رئیس حزب «یو. ام. پی» مجمع ملی فرانسه مورد انتقاد متحدان سیاسی خود قرار گرفت (نیوزروم واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۸).

سال ۲۰۰۴ نیز قانونی مسلمانان را از پوشیدن روسری و سایر نمادهای بارز دینی در کلاس‌های درس منع کرد که این قانون مشکلات بسیاری برای دختران دانش‌آموز با حجاب به همراه داشت. در حالی که پیروان اسلام پس از کاتولیک، دومین جمعیت بزرگ دینی کشور فرانسه هستند و جامعهٔ مسلمان این کشور بزرگ‌ترین جامعه اقلیت اروپا را تشکیل می‌دهند.

نیکلای سارکوزی در موضع‌گیری خود ضدحجاب در مجلس فرانسه گفت: حجاب نشانه بردگی، ناامیدی و یأس زنان مسلمان است و من از پیشنهاد نمایندگان درخصوص درخواست آنان از مجلس برای جلوگیری از گسترش حجاب زنان در فرانسه حمایت می‌کنم.

وی خطاب به زنان با حجاب گفت: دوست دارم رسماً بگویم که در جمهوری فرانسه به شما خوش آمد گفته نمی‌شود و فرانسه نمی‌تواند بپذیرد و تحمل کند که زنان مثل زندانی در پشت میله‌های زندان زندگی کنند و از زندگی اجتماعی محروم باشند. در هلند و چند کشور اروپایی نیز از ساخت مساجد جدید جلوگیری شد؛ در بعضی از ایالت‌های بلژیک، آلمان و اتریش نیز قانون منع حجاب اعمال شد (قانون منع حجاب و تعارض آن با اصول دموکراسی).

در انگلستان شاهد به قتل رسیدن مسلمانان منچستر و لندن بودیم و در اوج آن با پیروزی بخش عظیمی از نیروهای ضد اسلامی اروپا در مجلس این اتحادیه، شاهد قوانین دست‌وپا گیر دیگری ضد مسلمانان باشیم و در کنار این حوادث تلخ، قتل محجبهٔ باردار مصری «مروه الشربینی» بخشی از طرح اسلام‌هراسی باید دانست. البته در سال‌های اخیر طرح اسلام‌ستیزی

در شبکه‌های خبری غربی مانند فاکس نیوز و شبکه‌های عربی منطقه همچون العربیه در قالب ایران هراسی دنبال می‌شود.

ادوارد سعید متفکر معاصر، در کتاب خود در این مورد می‌نویسد:

«به نظر می‌رسد که لغت اسلام در شرایط امروز معنای ساده‌ای داشته باشد؛ اما این لغت، مجموعه‌ای از داستان‌ها، برجسب‌های ایدئولوژیک و بخشی اندک از ویژگی‌های یک مذهب را نشان می‌دهد. در چند سال اخیر و به ویژه پس از اتفاقات صورت گرفته در ایران، رسانه‌های غربی توجهی دوچندان نسبت به اسلام داشته‌اند. این رسانه‌ها تلاش کرده‌اند تا با معرفی بخش‌های مختلف اسلام، ویژگی‌ها و تحلیل‌های مختلفی را در مورد آن ارائه دهند، هرچند بخش عمده‌ای از این تحلیل‌ها نادرست بوده و نیازمند اصلاح است» (سعید، ۱۳۷۸: ۲۳).

اسلام در بازنمایی رسانه‌ای غرب (اروپایی)

در دنیای غرب، به دلیل تأثیر بسیار زیاد رسانه‌ها بر مخاطبان، نگاه کلیشه‌ای غرب به اسلام، گسترش بیشتری یافته است. مرکز اروپایی نظارت بر نژادپرستی و بیگانگی‌ستیزی بر آن است که رادیوها، تلویزیون‌ها و مطبوعات غربی تنها در اوایل ایجاد تنش میان اسلام و غرب می‌کوشیدند که یک گفت‌وگوی راهگشا و سازنده با اسلام برقرار کنند و اکنون مسیر دیگری را در پیش گرفته‌اند. یکی از اعضای مرکز مطالعات ترکی در شهر اسن آلمان هم می‌گوید: پس از ترور کارگردان هلندی، «تتو ونگوگ»، سیر گزارشگری رسانه‌ها درباره اسلام دستخوش فضایی ملتهب و هراس‌آلود شده است. نمونه مطالعات درباره چگونگی تصویر اسلام در رسانه‌ها پژوهشی به نام «چهره خشن و تضادگرای اسلام» در شبکه‌های تلویزیونی *ای.آر.دی* (ARD) و *زد.دی.اف* (ZDF) آلمان به مدیریت کی حافظ است که مؤسسه او تمام برنامه‌های تلویزیونی این دو شبکه درباره اسلام در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶م. را مطالعه و بررسی کرده است.

بر اساس نتایج این تحقیق، در ۸۱ درصد از برنامه‌ها، اسلام با موضوعاتی که به طور مستقیم یا ضمنی دارای مفهوم منفی هستند، ارتباط داده شده است؛ برای مثال در ۲۳/۳۱ درصد از برنامه‌ها نام اسلام در کنار مقولاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی قرار گرفته است. در ۱۶/۵۴ درصد از برنامه‌ها نام اسلام در کنار مسائلی مثل تضاد و کشمکش بین‌المللی مطرح شده است. در ۹/۷۷ درصد از برنامه‌های این دو شبکه تلویزیونی، اسلام مروج عدم تسامح و رواداری دینی دانسته شده و در ۴/۵۱ درصد از برنامه‌ها بحث از اسلام همزمان با بحث سرکوب زنان و تبعیض ضدآنان مورد توجه قرار گرفته است. تنها در ۱۱ درصد از برنامه‌ها کوشیده شده است اسلام با مفاهیم متعالی چون فرهنگ و دین ارتباط داده شود و نیز تنها در ۸ درصد از برنامه‌ها اسلام و ارتباط سازنده آن با مسائل اجتماعی و روزمره مورد بحث بوده است. در جمع‌بندی این پژوهش آمده است: «مشکل اصلی معرفی مسائل منفی در کنار نام اسلام نیست بلکه مهم آن است که بر اثر پخش این‌گونه برنامه‌های جهت‌دار، به تدریج ابعاد

فرهنگی اسلام، کارکردهای مثبت آن در زندگی روزمره معتقدان و نیز دیگر نکات برجسته این دین از اذهان عمومی در غرب محو می شود». کی حافظ، اسلام‌شناس و استاد دانشکده رسانه‌ها و علوم ارتباطات در دانشگاه ارفورت آلمان معتقد است: شبکه‌های تلویزیونی ای.آر.دی (ARD) و زد.دی.اف (ZDF) آلمان در برنامه‌های مربوط به اسلام شکل ساده شده‌ای از جنگ فرهنگ‌ها را مبنای کار خود قرار می‌دهند و با برنامه‌هایشان ترس از اسلام را تشدید می‌کنند. عقایدی این‌گونه همگن به ما می‌گویند که با پدیده اختلاف‌ناپذیری مانند یکسان‌سازی غیرمجاز رفتار همه مسلمانان و یکدست کردن جنبه‌های مثبت و منفی عملکرد همه گروه‌های اسلامی روبه‌رو هستیم.

مواجهه غیرعلمی با اسلام در این رسانه‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که رادیو و تلویزیون و حتی روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های مختلف با تمرکز بر وضعیت فرهنگی نامطلوب مهاجران مسلمان در جوامع اروپایی می‌کوشند اسلام را به عنوان دلیل عدم تطابق مسلمانان با جامعه میزبان معرفی کنند. یا در مورد «جهاد» این رسانه‌ها در برنامه‌های خبری و غیرخبری می‌کوشند تفسیری مقدس از این واژه در دین اسلام نشان دهند. این کلمه در اسلام به معنای «جنگ مقدس» نیست، اما رسانه‌ها، جنگ‌طلبی و خشونت را به اسلام پیوند می‌زنند و با تعبیر از آن به عنوان «جنگ مقدس» این معنا نشان داده می‌شود که مسلمانان به فکر کشتن غیرمسلمانان هستند.

برخی از مهم‌ترین محورهای گفتمان رسانه‌های غربی در بازنمایی اسلام با رویکرد اسلام‌هراسی عبارتند از:

- القای گسترش اسلام به وسیله شمشیر؛
 - تمایز قائل نشدن بین دین اسلام و حوادث روی داده سیاسی در کشورهای مسلمان؛
 - ارائه چهره‌های نادرست از واقعیت و معرفی اسلام در بسیاری از موارد به صورت تهدیدی جدی ضد غرب؛
 - نادیده گرفتن بسیاری از تحولات و پیشرفت‌های جهان اسلام؛
 - ارائه تفاسیر و تحلیل‌های نادرست در مورد موضوعاتی نظیر «جهاد» و «حقوق زنان»؛
 - معرفی اسلام در خلال جنگ‌ها و زد و خوردهای مسلمانان به مخاطبان غربی؛
 - ارائه تصویری مردسالارانه از اسلام به مخاطبان؛
 - بازنمایی نقض حقوق زنان در اسلام (چنانچه از آغاز پیدایش اسلام، زنان حق رأی داشته‌اند؛ حقی که در سال ۱۹۱۹ میلادی به زنان ایالات متحده داده شد (نیک‌ملکی، ۱۳۸۷: ۴).
- در مجموع، تصاویر غیرواقعی و کلیشه‌ای ارائه شده از سوی رسانه‌های غربی در مورد اسلام، به تهدیدات مربوط به «اسلام بنیادگرا» و «اسلام نظامی‌گرا» مربوط می‌گردد. ادوارد سعید در این مورد می‌نویسد: «در میان مردم آمریکا، اروپا و در دنیای امروز، اسلام به صورتی ناخوشایند نشان داده می‌شود. رسانه‌های غربی، دولت‌هایشان و استراتژیست‌های ژئوپولیتیکی

وابسته به این کشورها، همه در تلاشند تا اسلام را به عنوان تهدیدی ضدبشریت و به‌ویژه غرب نشان دهند» (سعید، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

جان ال اسپیستو در کتاب خود با عنوان «تهدید اسلام: افسانه یا واقعیت» تلاش می‌کند که به این سؤال پاسخ دهد که «آیا اسلام، تهدیدی ضدغرب است و یا خیر؟». وی معتقد است که در دیدگاه غربیان، نسبت به وجود این تهدید، مطالب و تحلیل‌های نادرستی وجود دارد.

نویسنده می‌افزاید که در صورت تداوم این شرایط غیرعادلانه، اسلام می‌تواند به عنوان یک تهدید به شمار آید؛ زیرا با ارائه تصاویری نادرست و غیرواقعی از اسلام، عموم غربیان دیدگاه‌های مخالف اسلام پیدا می‌کنند و بدین ترتیب به گسترش تضاد بین اسلام و غرب منجر خواهد شد (استیفن، رامزفر و مارتینز، ۱۳۸۵: ۸).

با توجه به مباحث مطرح شده، اکنون به نظریه‌هایی که می‌توان در تحلیل موضوع اسلام‌هراسی در تولیدات رسانه‌های غربی بهره جست، بررسی می‌شود:

نظریه‌های رسانه‌ای

نظریه چارچوب (Frame)

بر اساس نظریه چارچوب، رسانه‌ها، آینه انعکاس رویدادها و واقعیت دنیای اجتماعی و سیاسی نیستند بلکه برعکس، آفریننده واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به برداشت افراد از دنیای اطرافشان هستی می‌بخشند. آن‌ها در تهیه و پخش رویدادها، علاوه بر انتخاب داده‌ها، آن‌ها را بر اساس فرمول‌ها و قالب‌های جاافتاده به هم ربط می‌دهند و معنادار می‌سازند. بنابراین، این رویداد نیست که قالب را تعیین می‌کند بلکه این قالب است که داده‌ها را برمی‌گزیند و روابط آن‌ها را شکل می‌بخشد.

رسانه‌ها معمولاً با تصویری پیش‌ساخته و داستانی پیش‌پرداخته به مشاهده رویدادها می‌روند و با نگرشی شکل‌گرفته، به گزینش داده‌ها و بررسی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند. فرایند گردآوری، گزینش و انتشار رویدادها، فرایندی عینی و بی‌طرفانه نیست بلکه آمیخته به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. راجر فالر در همین زمینه معتقد است: اخبار، ساختاری اجتماعی دارند، وقایعی که گزارش می‌شوند، در واقع بازتابی از اهمیت خود واقعه نیست بلکه نمایانگر یکسری ملاک‌های پیچیده و تصنعی برای گزینش اخبار است. سپس این اخبار گزینش شده، پردازش و رمزگذاری می‌شوند تا بیشترین تأثیر را بر مخاطبان بگذارند (مهدیزاده، ۱۳۸۰: ۲۰).

در نظریه چارچوب اصل بر تک‌صدایی و تک‌آوایی در روایت رویدادهاست. بر اساس این دیدگاه به عنوان نمونه اخبار در قالب نرم خبر و داستان‌های خبری تنها صدای ایدئولوژی حاکم را پردازش و به سمع و نظر مخاطبان می‌رسانند و دیگر شیوه سخت خبر که باید چندصدایی و چندآوایی در آن رعایت شود، کاربرد نخواهد داشت.

نظریه بازنمایی (Representation)

پیتر دالگران در کتاب «تلویزیون و گستره عمومی» به تشریح موضوع بازنمایی پرداخته است. وی می‌نویسد: بعد بازنمایی، توجه ما را به تولیدات رسانه‌ای جلب می‌کند. این بعد شامل زمینه‌هایی چون مطالبی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، نحوه انعکاس موضوعات، انواع گفتمان‌های مطرح و ماهیت مباحث و مناظرات ارائه شده، بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی و فرااطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره دارد. بازنمایی در گستره عمومی به این پرسش‌های اساسی اشاره دارد که «چه مطالبی» باید برای انعکاس انتخاب شوند و «چگونه» به مخاطبان عرضه گردند (دالگران، ۱۳۸۰: ۳۰).

در خصوص تأثیر بازنمایی رسانه‌ای بر اجتماع دالگران می‌نویسد: با توجه به چندلایگی اجتماعی - فرهنگی این رسانه بیشتر در خدمت تخریب مردم‌سالاری است. گفتمان‌های این رسانه، از جمله به دلیل زیبایی‌شناسی واقع‌گرایانه آن، عمدتاً ماهیت عقیدتی (ایدئولوژیک) دارند. تلویزیون از گسترش دانش و اطلاعات ضروری در سطح جامعه جلوگیری می‌کند. توهمی از وضعیت مطلع بودن در ذهن و شخصیت مخاطبان پدید می‌آورد و در عین حال، مسئله مهم را با قرار دادن در کنار مسائل پیش‌پا افتاده، کم‌اهمیت و عادی جلوه می‌دهد. جهان اجتماعی به شکل صحنه‌ای ترسیم می‌شود که رویدادهای تصادفی و غیرمنتظره در آن به وقوع می‌پیوندند. به نحوی که تصویر کلی آن ناهمگن و از هم گسیخته به نظر آید. تلویزیون سیاست را برای ما تعریف می‌کند و شرایط مباحثه سیاسی را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که اساساً حامی منافع صاحبان قدرت و ثروت از آن درآید. مخاطبان به ناظران بیرونی دستگاه سیاسی تبدیل می‌شوند و به بی‌اختیار و بی‌قدرت بودن خویش عادت داده می‌شوند (دالگران، ۱۳۸۰: ۸۲).

نظریه انگاره‌سازی (Image Making)

ارائه انگاره‌ای (تصویری) از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیاء و رویدادها به مخاطب «انگاره‌سازی» نام دارد. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت سروکار داریم. واقعیت‌ها دست‌کاری می‌گردند و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره‌سازی «تکنیک» و کلید کارگشای معناسازی در رسانه و تولیدات آن‌ها است (شعار غفاری، ۱۳۷۴: ۲۱).

کارل هوسمن در توضیح انگاره‌سازی معتقد است: رسانه‌ها، یک فضای ساختگی ارائه می‌دهند، برداشتی ذهنی از جهان که ضرورتاً با جهان واقعی منطبق نیست. اما این دنیای ذهنی و ساختگی صرفاً ساخته و پرداخته خود رسانه نیست. افرادی که برای رسانه‌ها کار می‌کنند، در مورد ترتیب اهمیت اخبار تصمیم‌گیری می‌کنند، اما منبع اطلاعاتی که روزنامه‌نگاران نقشی در میان آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند، فرایندی است که روزنامه‌نگاران نقشی در آن ندارند. خبر ضرورتاً همان چیزی نیست که اتفاق افتاده است بلکه چیزی است که منبع خبری آن را ارائه

می‌دهد. چون تا زمانی که بین تهیه‌کنندگان خبر و منابع خبری، مبادله اطلاعات صورت نگرفته باشد، خبر به وجود نمی‌آید (هوسمن، ۱۳۷۶: ۲۱۴).

باید توجه داشت که انگاره‌سازی رسانه‌ای، کارگزاران خبری آگاهانه و با برنامه‌ریزی دست به تصویرسازی خبری یا انگاره‌سازی خبری می‌زنند. در این نظریه، اندیشمندان آن معتقدند «در انگاره‌سازی آنچه مهم نیست انعکاس واقعیت و رویداد است. در اینجا هدف و ماهیت کار، استفاده از دستمایه واقعیت یک رویداد برای ارائه تفسیری پنهان در لفاف آن است» (رضوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۱۲).

نظریه وانمایی (Simulation)

مفهوم وانمایی عمدتاً مورد استعمال پست‌مدرنیست‌ها به‌ویژه ژان بودریار، فیلسوف معروف پست‌مدرن فرانسوی، است. وانمایی واقعیت را نفی نمی‌کند بلکه تفاوت میان واقعیت و تصویر را مخدوش می‌کند. رسانه‌ها در ظاهر امر چیزهایی شبیه واقعیت به جای واقعیت نشان می‌دهند؛ لذا نشانه‌ها و رمزها، دیگر به واقعیت بیرونی مرتبط نیستند و به چیزی دلالت نمی‌کنند.

ژان بودریار در تفاوت بازنمایی و وانمایی معتقد است: وانمایی به منزله امری در رودرروی با بازنمایی هم صادق است. بازنمایی از این اصل آغاز می‌شود که نشانه و امر واقعی با یکدیگر برابرند (این برابری گرچه آرمانی است، کماکان اصلی نخستین و بنیادین است). از سوی دیگر، وانمایی از آرمان بودن این اصل برابر، از نفی ریشه‌ای نشان به مشابه ارزش، از نشانه به منزله سرنگونی و حکم مرگ همه نشانه‌ها آغاز می‌شود. گرچه بازنمایی سعی در جذب وانمایی از راه تفسیر آن به منزله بازنمودنی کاذب دارد، وانمایی تمامی ساختمان بازنمایی را به منزله چیزی که خود گونه‌ای وانمودن بیش نیست، دربر می‌گیرد. (بودریار، ۱۳۷۴: ۹۱).

در بازنمایی تفاوت بین واقعیت و بازتولید آن مدنظر است. در وانموده یا وانمایی خلق جهانی جدید توسط نشانه‌های رسانه‌ای مورد توجه است و این رسانه‌ها هستند که نسبت به افراد، مکان‌ها و رویدادها تعابیر را می‌سازند و جایگزین حقایق می‌کنند و در نهایت، این تعابیر اساس کنش متقابل افراد را تشکیل می‌دهند.

بودریار معتقد است که وانمایی‌های رسانه‌ای مناسبات اجتماعی جدیدی را خلق می‌کنند که در جهت منافع حاکمان عمل می‌کند. وی درخصوص وانمایی و اجتماع می‌نویسد:

«نظارت اجتماعی پشت این وانمود کردن حقیقت یعنی از راه وانمایی‌ها شکل می‌گیرد. به همین دلیل مشکل رسانه‌ها که سازنده وانماها هستند، آن‌ها را به نظام قدرت متصل می‌کند. همین اسلوب، بنیانی برای سرمایه‌داری ایجاد می‌کند. سرمایه‌داری از قلمرو شبیه‌سازی صنعتی گذشت و به متافیزیک رمزگان رسید که همان وانمایی باشد (رضوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۱۳).

دین و خشونت در نگاه غرب در بررسی شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان

ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی به درستی نشان داده است که نگاه غرب مسیحی به شرق غیرمسیحی نگاهی بالادستی، سلطه‌جویانه، استعماری، مبتنی بر خودبینی، تفاخر و سرانجام، نفی ارزش‌های شرقی بوده است (سعید، ۱۳۷۷: ۱۳-۱۹).

از طرف دیگر، این نگاه نسبت به اسلام، که یگانه دین آسمانی پس از ظهور مسیحیت است، نگاهی به مراتب تندتر، بغض‌آلوده‌تر، و غیرمنصفانه‌تر بوده است. به‌نحوی که خانم آنه ماری شیمل (1922-2003) شرق‌شناس و اسلام‌شناس بزرگ آلمانی، به صراحت اعلام می‌دارد که:

«از میان همه ادیانی که مسیحیت با آن‌ها مواجه بوده و الزاماً سروکار داشته است، دین اسلام را از همه بیشتر مورد سوءتفاهم و در نتیجه حمله شدید قرار داده است. بیش از هزار سال چنین به نظر می‌رسید که اسلام یکی از تهدیدات عمده - اگر نگوییم عمده‌ترین تهدید - برای مردم اروپاست. احساسی که به این باور منجر شده که اسلام و معتقدان به این دین آسمانی، یعنی مسلمانان، سرسخت‌ترین دشمنان مسیحیت غربی هستند» (شیمل، ۱۳۷۵: ۱۱).

نگاه اروپاییان و آمریکاییان تا اوایل سده نوزدهم، نسبت به اسلام، قرآن و پیامبر (ص) آمیخته با نفرتی چندصد ساله بوده است و تنها در همین یکی دو قرن اخیر و به‌ویژه قرن بیستم میلادی است که تا حدودی طلیعه نگرش علمی و محققانه اروپا نسبت به اسلام و مسلمانان را شاهد هستیم. پیش از این تاریخ، اروپای مسیحی از درک جنبه‌های روحانی و معنوی اسلام به‌کلی عاجز بوده و فقط به بدگویی از اسلام و عدم برخورد منصفانه با پیامبر اسلام (ص) مشغول شده است (شیمل، ۱۳۷۵: ۱۷-۱۸).

بدین ترتیب، چهره‌های شرق‌شناس و اسلام‌شناس برجسته‌ای چون وات، گیبز، کوربن، ماسینیون، شیمل و نظایر ایشان، جملگی در رشته شرق‌شناسی مغرب زمین متأخر بوده‌اند و الا پیش از آن به قول همین خانم شیمل با ادعاهای نفرت‌آور چندین سده‌ای مسیحیت ضداسلام که در آن‌ها دین اسلام در اصل بدعتی مسیحی عنوان شده! روبه‌رو هستیم. (شیمل، ۱۳۷۵: ۶).

ناگفته پیداست که این تعصب و پیش‌داوری غلط ذهنی به‌ویژه متوجه حضرت محمد (ص) پیامبر و بنیانگذار اصلی دین مبین اسلام بوده است، به‌نحوی که مسیحیت غربی به نوعی محمد (ص) را بت پرست و به شکل روح تاریکی می‌شناسد و معرفی می‌کند (شیمل، ۱۳۸۳: ۴) و حتی در مطالعه سیره تاریخی وی، که تازه از سده هجدهم به بعد آغاز کرده، آن حضرت را به شکل نوعی ضد مسیح یا مسیحی بدعت‌گذار و تفرقه افکن بزرگ به نمایش در می‌آورد. (شیمل، ۱۳۸۳: ۴).

به‌ویژه در آمریکا که از طرفی نفوذ و سلطه یهودیان بر ارکان علمی و اقتصادی آن کشور و در سده بیستم نیز تسلط کامل صهیونیسم بین‌الملل بر همه شئون علمی، فرهنگی، سیاسی،

اجتماعی و خبری آن دیار جایی برای هیچ‌گونه ارائه‌ی چهره‌ی صحیح و مخدوش نشده‌ای از اسلام و مسلمانان باقی نمی‌گذارد (سعید، ۱۳۷۸: ۲۷).

مقولاتی چون تألیف کتاب *آیات شیطانی* و یا چاپ کاریکاتورهای موهن از پیامبر اسلام (ص) همه از مصادیق آن هستند. یکی از بدترین نموده‌های این غرض‌ورزی و کژاندیشی را در تعرض و توهین به خانم شیمیل در مراسم اهدای جایزه کتاب فرانکفورت به ایشان می‌بینیم که فقط به دلیل دفاع وی از اسلام و ایران اسلامی صورت می‌گیرد.

نگاه اسلام به پدیده‌ی تروریسم

در کتاب‌های جدلی مغرب‌زمین ضداسلام و پیامبر(ص) با انواع و اقسام ایرادات در مورد خشونت‌طلبی اسلام، توسعه‌ی اسلام به زور شمشیر، رد و انکار امی‌بودن و یا خاتمیت پیامبر(ص)، و سرانجام مسئله تعدد همسران پیامبر(ص) که تا به امروز نیز دستمایه‌ی ایراد و اعتراض عده‌ای از مستشرقان و اسلام‌شناسان جاهل یا مغرض غربی است (شیمیل، ۱۳۸۳: ۲۲ و ۸۵-۸۷)، برخورد می‌کنیم که در این میان اتهام توسعه‌ی اسلام با شمشیر و در سال‌های اخیر هم خشونت‌طلبی و عدم مدارای مسلمانان از رواج بیشتری برخوردار بوده است.

آنان با برداشت غلط از بعضی از آیات قرآنی نظیر «و قاتلوا المشرکین کافه» (توبه/ ۳۶) به جنگ‌طلبی اسلام حکم می‌کنند و برای مثال، در همین آیه‌ی خاص، دنباله‌ی آن را که می‌فرماید «کما یقاتلونکم کافه» را نمی‌بینند! و یا اینکه به آیه کریمه «و اقتلوهم حیث تفتنمومهم» (بقره/ ۱۹۱) استناد می‌کنند، بدون اینکه به ادامه‌ی آیه توجه کنند که می‌گوید: «فان قاتلوکم فاقتلوهم»، یعنی اینکه شرط اصلی مقاتله و جنگ و کشتار شما با آن‌ها، انجام این عمل از ناحیه‌ی آن‌ها کفار و مشرکین و محاربان از اهل کتاب است؛ به این نکته توجه نمی‌کنند که نه تنها تقریباً تمام فقها جهاد ابتدایی را منوط به حضور پیامبر(ص) و معصوم(ع) می‌دانند بلکه بعضی از ایشان به صراحت معتقدند که هرگز هیچ‌گونه جهاد ابتدایی حتی در زمان رسول خدا (ص) در اسلام وجود نداشته و کلیه غزوات و سریه‌های آن حضرت (ص) جنبه دفاعی داشته است.

از آن گذشته، سخن صریح قرآن که می‌فرماید: «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (ممتحنه/ ۸) که در آن از نیکی کردن و عدالت ورزیدن نسبت به همه‌ی کسانی که نمی‌خواهند مسلمانان را به سبب دینشان بکشند و یا اینکه از خانه و کاشانه‌ی آن‌ها بیرون کنند، سخن گفته شده است، جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که اسلام در اصل دینی به غایت مسالمت‌آمیز و صلح‌طلب است که همگان را در «سلم» و صفا و آرامش می‌خواهد (ادخلو فی السلم کافه، بقره/ ۲۰۸). این جنگ و خونریزی را از مقوله‌ی سیئات می‌داند که قصاص و تلافی آن لازم و واجب است، لیکن آن نیز از جنس سیئه است (اشاره به آیه کریمه «و جزاء سیئه سیئه مثلها» شوری/ ۴۰) که باید حتی‌المقدور از آن دوری کرد.

در اینجا آرای تعدادی از این اساتید برجسته حوزه شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی را در رابطه با اتهاماتی که ضداسلام عنوان می‌شود، ذکر می‌کنیم.

جان هینلز در کتاب «*راهنمای ادیان زنده*» ضمن غلط خواندن بسیاری از نظریات کلیشه‌ای سفیدپوستان راجع به آسیایی‌ها که معمولاً از روی جهل با برچسب واحد «رنگین پوستان» مورد خطاب قرار می‌گیرند، در باب عدم توسعه اسلام با زور می‌نویسد:

«از زمان بنی‌عباس به بعد اسلام بیشتر از طریق وسایل صلح‌آمیز و تبلیغی (مسیونری) پیوسته در حال رشد و گسترش بوده است و تنها در موارد بسیار نادری در بخش‌هایی از آفریقا و آسیا که تعداد آن‌ها به مراتب کمتر از موارد مشابه در مسیحیت است، اسلام مطابق سوءبرداشت غلط اما رایج در غرب با شمشیر توسعه یافته است؛ مطلبی که به صراحت مخالف این بیان قرآن است که در امر دین اکراه وجود ندارد» (هینلز، ۱۳۸۶: ۹۳۴ و ۱۵۴).

خانم شیمل نیز در کتاب ارزنده «*درآمدی بر اسلام*» که می‌توان گفت حاصل یک عمر اسلام‌پژوهی وی است، به صراحت اعلام می‌دارد:

«این اعتقاد رایج در بین بسیاری از مردم غرب که اسلام راه خود را در دنیا با آتش و شمشیر باز کرده است، چندان هم قابل دفاع نیست... در اسلام جهاد به معنای سعی و کوشش در راه خداست. اصطلاح جنگ مقدس (Holy war) نیز به زمان صلیبیون بر می‌گردد که آن را برای مقاصد خاص خویش به کار می‌بردند. این اصطلاح در اسلام کلاسیک شناخته شده نیست (شیمل، ۱۳۷۵: ۱۲۲)

ایشان، در جای دیگری، وقتی از اصول اسلام نام می‌برند و نماز و روزه و حج و زکات و غیره را بر می‌شمرند، مجدد از فرصت استفاده کرده و با صراحت اعلام می‌دارند که:

«آنچه اصطلاحاً به نام جهاد یا جنگ مقدس خوانده می‌شود، هرگز جزو اصول اسلامی بوده است» (شیمل، ۱۳۷۵: ۶۱).

چنانچه گفتیم اسلام اصولاً جنگ و خونریزی را دوست ندارد و استفاده از ابزار زور و قدرت را فقط برای دفع تجاوز دشمن به جان و مال مسلمانان و حدود و ثغور کشورهای اسلامی مجاز می‌شمرد و نه تنها کشورگشایی و توسعه طلبی بر پایه «شمشیر» را رد می‌کند بلکه پیامبر بزرگوار اسلام را به عنوان «رحمت جهانیان» (انبیاء / ۱۰۷) و هدف از بعثت ایشان جناب را هم «تتمیم و تکمیل مکارم اخلاق» (بُعثُ لا تمم مکارم الاخلاق) می‌خواند. لیکن، در پاسخ به سخنان پاپ بندیکت شانزدهم که به‌طور تلویحی توسعه اسلام را بر پایه قدرت نظامی می‌داند، جا دارد به فرازی از کتاب تاریخ «تفکر مسیحی» نوشته تونی لین، اشاره کنیم تا نمونه‌ای از توجیه خشونت نزد یکی از بزرگ‌ترین آباء کلیسا، یعنی «آگوستین» همچنین از قدرت حکومتی و زور ضد دوالیست‌ها استفاده کرد. در ابتدا وی مخالف به‌کارگیری زور بود، اما سرانجام به

این نتیجه رسید که باید از آن استفاده کرد... آگوستین در مورد توجیه به‌کارگیری زور در عهد عتیق دلایلی را می‌یافت و حتی به انجیل لوقا، (باب ۱۴، ۲۳) متوسل می‌شد که می‌گوید مردم را به الحاح بیاور. وی غالباً این جمله را نقل می‌کرد که محبت داشته باش و آن گاه هرچه می‌خواهی بکن (خطابه‌هایی در مورد رساله اول یوحنا) و با ذکر این جمله از به کار گرفتن زور دفاع می‌کرد... گفته‌های او بعدها بنیانی نظری برای تفتیش عقاید در سده‌های میانی به وجود آورد (لین، ۱۳۸۴: ۸۴-۸۵).

همچنانکه اشاره شد، ما ساحت همه ادیان و به‌ویژه ادیان آسمانی و پیامبران ابراهیمی (ع) را از هرگونه خشونت‌طلبی و سلطه‌جویی قدرتمدارانه و اصطلاح مبتنی بر شمشیر میرا می‌دانیم؛ لیکن چنانچه قرار باشد این و یا آن عالم مسیحی جاهل و یا مغرض، با استفاده ابزاری از قرآن و استناد به فلان آیه و غفلت از آیه دیگر ادعایی خلاف واقع ضداسلام و قرآن مطرح کند، ناگزیر باید بگوییم که نه تنها عهد عتیق (کتاب مقدس عبرانی) مشحون از فرازهایی به غایت تند و برتری‌جویانه است بلکه در عهد جدید (کتاب مقدس مسیحیان) نیز فرازهایی از این دست دیده می‌شوند که در زیر به عنوان نمونه به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. پس به ایشان گفت: لیکن الان هرکس کیسه دارد، آن را بردارد و همچنین توشه‌دان را و کسی که شمشیر ندارد، جامه خود را فروخته و آن را بخرد (انجیل لوقا، باب ۲۲، آیه ۳۶).
۲. گمان مبرید آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را (انجیل متی، باب ۱۰، آیه ۳۴).

منابع خبری غربی صهیونیستی، سعی می‌کنند به هر نحو مسئله «دفاع مشروع» را با «جنگ و خشونت و خونریزی» خلط کنند.

اسلام‌هراسی، بنیادگرایی و تروریسم

برای درک کامل اوضاع اسلام، جامعه و تمدن اسلامی در دنیای متجدد، لازم است که به سرچشمه‌های شکل‌گیری این معارضة‌جویی‌های تمدن جدید غرب با آن و نخستین واکنش‌های جهان اسلام به آن معارضة‌ها عنایت داشت. نخستین چالش جهان غرب با جهان اسلام در عصر اکتشافات و دورانی آغاز شد که در تاریخ اروپا به «رنسانس» مشهور است؛ یعنی در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی. شاید بتوان گفت حادثه‌ای که باعث آگاهی جهان اسلام از خطر و معارضة قریب‌الوقوع غرب شد، اشغال مصر توسط ناپلئون در سال ۱۷۹۸ میلادی بود.

این حادثه از حیث آگاهی جهان اسلام نسبت به غرب و تغییر تلقی جهان اسلام از آن، نوعی سرفصل و سرآغاز دگرگونی در جهان اسلام بود. پس از این حادثه سلطه انگلیس بر هند نیز کامل شد و از دست رفتن نیروی عثمانی‌ها و نیز ایرانیان در اثر یک سلسله جنگ‌ها و منازعات مهم همچون جنگ‌های میان روسیه تزاری و ایران، باعث گردید که بسیاری از

سرزمین‌هایی که تا آن زمان متعلق به جهان اسلام بود، به دست غرب بیفتند. فرو ریختن قدرت جهان اسلام باعث تکاپوی بیشتر دنیای اسلام برای خویش‌نمایی و بسیاری دیگر از واکنش‌ها شد. مسلمانانی که به این طریق به معارضه غرب و ضرورت واکنش در برابر آن وقوف یافته بودند، می‌توانستند چندگونه واکنش نشان بدهند: نخست آنکه بر اساس این عقیده که همه تحولات و تبدلات و مبتدعات بعدی تاریخ اسلام علت به تعالیم اصیل و اولیه قرآن و پیامبر اکرم (ص) آن چنان که «سلف» می‌فهمیدند، بازگشت (جواد ادبی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

واکنش دوم اینکه لازم است برای همسو و همراه شدن با هجوم غربی که جهان‌نگری، فلسفه و ایدئولوژی خاص خود را دارد، تعدیل و نوسازی صورت گیرد. راهکار سوم اینکه با سنت‌گرایی به مجموعه‌ای از حقایق همه‌جایی و همیشگی چنگ زنی که ما را در این بازار فریب غربی مددکار باشد.

در این میانه فعالیت بنیادگراها همیشه به صورت واکنشی با رجوع به گذشته صورت می‌پذیرد. «بنیادگراها دست به گزینش می‌زنند. شاید به‌خوبی متوجه باشند که کل گذشته ناب و خالصی را پذیرفته‌اند، اما انرژی آن‌ها مصروف به کار بستن جنبه‌ها و ویژگی‌های برگزیده‌ای می‌شود که بهترین مقوم هویت آن‌هاست، وحدت نهضت آن‌ها را تضمین می‌کند و پیرامون آن، سنگرهای دفاعی ایجاد می‌کند و دیگران را در فاصله مطمئنی نگاه می‌دارد... بنیادگراها یا به نام خدا- در ادیان توحیدی- و یا به نام علایم و نشانه‌های یک مرجع متعالی می‌جنگند» (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۰).

بنیادگرایان اسلامی معتقدند که:

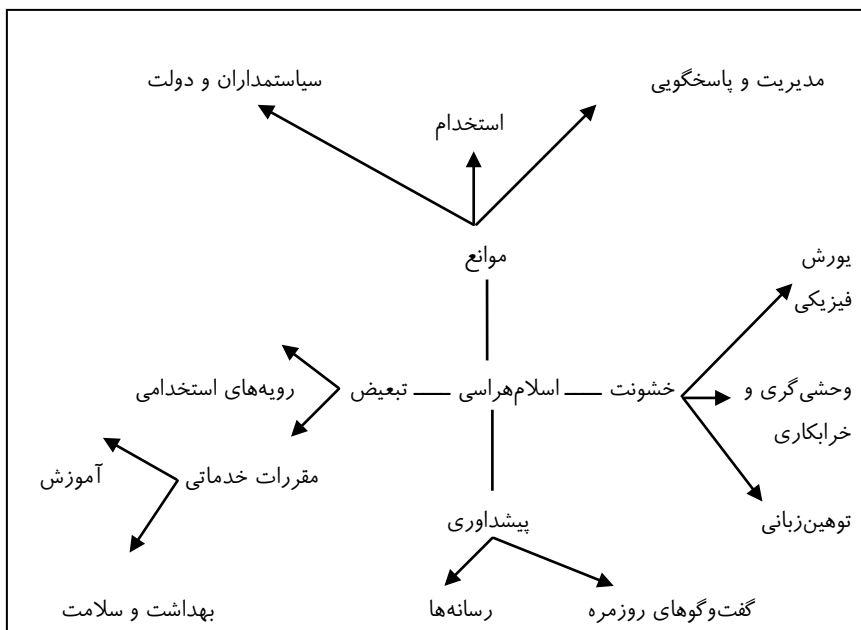
«دیانت حقه ما از طرف خدا است و این دیانت تنها مبشر و مرجع خطاناپذیر هدایت است. فقدان مدارا در امر دین ارتباط جزمی با این اعتقاد دارد که کل حقیقت در اختیار ماست» (شلاشیرت، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

باید اذعان کرد که در این وضع و حال، در صورت پیروزی و تحقق آمال بنیادگرایان در کشورهای اسلامی، آن‌ها به چیزی کمتر از این رضایت نخواهند داد که غرب مسیحی را وادار کنند که به شرق مسلمان خراج بپردازند.

اسلام‌هراسی تنها یک جنجال رسانه‌ای نیست بلکه نویسندگانی که نیم‌نگاهی به نگرانی‌های جامعه روشنفکران دارند، نظیر وی، اس، نایپائول (V.S Naipaul) و ساموئل هانتینگتون، چنین معرفی غلطی را استحکام بخشیده‌اند. ساده‌گرایی در باب یک مسلمان به‌خودی‌خود دو جنبه دارد که از یک طرف، به غلو و بزرگ‌نمایی غرب و از طرف دیگر، به تأکید هویت واحدی برای همه مسلمانان و تفسیر واحدی از متن و فرهنگ منتهی می‌شود. منابع جدید پیرامون اسلام و غرب چندین جنبه از این مسئله را بررسی می‌کنند و برخی از مشکلاتی را که در این میان پدید می‌آیند، روشن می‌سازند. گزارش مؤسسه رانی مید (The Runnymede Trust, 1997) و

گزارش ویلتون پارک (Wilton Park, 1998) بیش از همه تفسیر نادرست پیرامون جهان اسلام را در غرب بازشناسی می‌کنند و از رابطه‌ای تساهل‌آمیزتر و آگاهانه‌تر با جهان اسلام حمایت می‌کنند. این گزارش‌ها بازتاب رویکردی هستند که از یک طرف، از ارتباطات بشری و از جانب دیگر، از گفت‌وگوی بین‌الادیانی تاریخی طولانی میان مسلمانان و جهان مسیحیت قرار می‌دهند و در عین حال، به حمایت از گفتمان‌های وسیع‌تر میان جوامع غربی و مسلمان می‌پردازند. از همه مهم‌تر اینکه آن گزارش‌ها اصطلاح «اسلام» را به عنوان شاخص هویت اولیه کسانی که مسلمان هستند، می‌پذیرند. آن‌ها از بحث در گوناگونی جوامع اسلامی در باب گروه‌های اخلاقی یا در تفسیر از سنت اسلامی یا در باب کاربردهای مسلمانان نسبت به جهان معاصر، دوری می‌کنند.

خلاصه گزارش مؤسسه رانی‌مد در خصوص اسلام‌هراسی چالشی برای ما وضعیت برخوردارها بر مبنای اسلام‌هراسی



<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>

اسلام و فوبیا در اروپا، به‌ویژه انگلیس را با محورهای زیر معرفی کرده است:

— **طرد کردن و محروم‌سازی در حوزه‌های استخدامی**، برخوردهای سیاستمداران و دولت، برخوردهای مدیران و مسئولان؛

— **خشونت در زمینه‌های برخوردهای توهین‌آمیز فیزیکی**، تخریب دارایی‌ها، توهین کلامی و زبانی؛

— **تبعیض نژادی در حوزه‌های استخدام**، خدمات عمومی، آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی؛

— **تبعیض و تعصب در حوزه‌های رسانه‌ها**، در مکالمات روزمره.

اسلام‌ستیزی در هلند

در سال‌های اخیر، انتشار مقاله، کاریکاتور، تصاویر مضحک و تروریستی از مقدسات اسلامی و مسلمانان، ساخت فیلم‌های توهین‌آمیز دربارهٔ مقدسات دینی و قرآن، نمونه‌ای از فعالیت‌های رسانه‌ها و مطبوعات غربی به‌شمار می‌آیند که از یکسو با بهره‌گیری از روش‌های جنگ روانی سعی در تخریب وجههٔ مسلمانان، دین اسلام و تعالیم و آموزه‌های قرآنی دارند و از سوی دیگر، با تکرار ادعاهای واهی و کنش‌های توهین‌آمیز خود درصدد عادی‌سازی و کاهش حساسیت مسلمانان نسبت به اصول اعتقادی و ارزش‌های اسلامی هستند.

هرچند روند تهاجم و اهانت به اسلام و مقدسات اسلامی در جوامع غربی ویژه گروه خاصی نیست بلکه علاوه بر گروه‌ها و احزاب تندور و افراطی راست‌گرا که پرچمدار اهانت به مقدسات اسلامی هستند، طیف‌های مختلف جوامع اروپایی از قبیل سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس و کاریکاتوریست‌ها، توهین به نمادها و مقدسات اسلامی را در رأس فعالیت‌های ضداسلامی خود قرار داده‌اند که این امر نشانگر یکپارچگی غرب در مبارزه با گسترش موج اسلام‌گرایی است که فیلم «فتنه» گریت ویلدرز نیز نمونه‌ای بر این مدعاست.

پیش از این نیز تئو ونگوگ هلندی، فیلمی به‌نام «تسلیم» ساخت که در صحنه‌هایی از آن، آیات قرآنی بر روی بدن برهنهٔ یک زن نقاشی می‌شد. ونگوگ افکار شدیداً ضد‌مذهبی داشت و در برنامه‌های تلویزیونی و مقاله‌هایش به انتقاد از اسلام پرداخت و اسلام و مسلمانان را عقب مانده و قرون وسطایی نامید. در فیلم «تسلیم» اسلام عامل اصلی سرکوب زنان مسلمان معرفی می‌شد؛ وی همواره به روحانی‌های مسلمان هلند حمله می‌کرد. ونگوگ در کتابی به نام «الله... بهتر می‌داند» که بعد از ۱۱ سپتامبر نوشت، امام جماعت‌های هلند را به نفرت از زنان متهم کرد (سرشار، ۱۳۸۴).

ونگوگ دوست نزدیک پیم فورتاین، نمایندهٔ راست‌گرا و همجنس‌گرای پارلمان هلند، بود که به سبب افکار نژادپرستانه و ضد‌مهاجر خود در سال ۲۰۰۰م. به‌دست یک مسلمان کشته شد.

پیام فورتاین نیز مانند ونگوگ منتقد شدید اسلام بود و در سخنرانی‌ها و مقاله‌های خود اسلام را دین عقب‌مانده می‌خواند. تئو ونگوگ مانند دوست خود فورتاین، در سال م. ۲۰۰۴ کشته شد. از موارد دیگر نیز می‌توان به فیلمی هتاکانه و موهن درباره زندگی حضرت محمد(ص) اشاره کرد که مؤسسه هلندی «از دین برگشتگان» آن را به سفارش شبکه سی.ان.ان آمریکا ساخت که در آن اشاره غیرمستقیم به زندگی پیامبر اسلام (ص) دارد و داستان فرد مستبدی را روایت می‌کند که اقدام به قتل سه یهودی بی‌گناه کرد و خود با دختر بیچه شش ساله ازدواج و سپس وی را آزار و اذیت کرد. همچنین دولت هلند برای معرفی این کشور به عنوان بی‌بندوبارترین کشور اروپا فیلمی را در اختیار مهاجران قرار می‌دهد که نشانگر این امر است که در هلند عریان بودن و همجنس‌بازی به روال عادی در جریان است.

منتقدان سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت هلند در خصوص مهاجرت، هدف تهیه این فیلم و آزمون افکار عمومی درباره آن را تلاش دولت هلند برای ناامید کردن مسلمانان از مهاجرت به این کشور ارزیابی می‌کنند؛ زیرا مسلمانان به واسطه محتویات و موارد مطرح شده در این فیلم آزرده‌خاطر خواهند شد. دولت هلند همچنین برای جلوگیری از ورود زنان مسلمان جوان به این کشورها شرط سنی و درآمدهای بالا را قرار داده است.

دولت هلند در واکنش به نمایش فیلم وایلدرز با ابراز نگرانی از عواقب اهانت به مقدسات اسلامی، به بهانه آزادی بیان از هرگونه اقدام پیش‌گیرانه و ممنوعیت نمایش فیلم خودداری کرد و در عوض، تدابیر واکنشی چون اعلام آماده‌باش به سفارت‌خانه‌های هلند در کشورهای اسلامی، تحت نظر گرفتن مساجد و ائمه جماعت و رفت و آمد مسلمانان در این کشور را مطرح کرد یا درخواست آماده‌باش شورای شهرها برای هرگونه برخورد، آتش‌سوزی و درگیری احتمالی میان مسلمانان و مسیحیان و اتخاذ تدابیر امنیتی برای رویارویی با واکنش‌های مسلمانان را اتخاذ کرد.

با همه این اوصاف، اقدامات ضد اسلامی در هلند در موارد ذکر شده خلاصه نمی‌شود، این کشور در سال‌های اخیر با پیگیری اقداماتی نظیر تصویب بودجه موسوم به پلورالیزم رسانه‌ای (با رویکرد اسلام‌ستیزی و گسترش فحشا در ممالک اسلامی)، در دستور کار قرار دادن «هتاکی تصویری» ضد مقدسات اسلامی، راه‌اندازی و حمایت مالی از رادیو زمانه (فارسی) به‌عنوان ابزار رسانه‌ای ناتوی فرهنگی و... در صف اول کشورهای اسلام‌ستیز قرار گرفته است.

در این میان نکته جالب توجه این است که بنا بر مطالعات درباره گسترش اسلام در قاره اروپا، اسلام محبوب‌ترین مذهب سال ۲۰۲۰م. در برخی شهرهای بزرگ هلند خواهد بود. حتی جمعیت‌شناسان هلندی اعلام کرده‌اند تا سال ۲۰۲۰م. دین اسلام گوی سبقت را از دیگر ادیان و مذاهب خواهد ربود و محبوب‌ترین مذهب در این کشور و در میان پیروان مذاهب آسمانی خواهد بود.

«گرت وایلدرز» (Greet Wilders) و فیلم «فتنه» (FITNA)

گرت وایلدرز، سیاست‌مدار راست‌گرای هلندی، در خانواده‌ای کاتولیک بزرگ شده است اما هیچ‌گونه اعتقاد مذهبی ندارد، وی پس از گذراندن دوران دبیرستان، به مدت دو سال برای کار به خاورمیانه سفر کرده بود، از آن پس دستکم ۴۰ بار به اسرائیل سفر کرده است.

گرت وایلدرز رهبر راست‌گرایان هلند، سیاست‌مداری اسلام‌ستیز است که بیشترین جنجال را به دلیل اندیشه‌های اسلام‌ستیزانه‌اش در هلند به پا کرده است. وی از سال ۲۰۰۴م، زمانی که «تئو ونگوگ» کارگردان هلندی به علت ساخت فیلم موهن «تسلیم» کشته شد، تحت حمایت پلیس زندگی می‌کند. وایلدرز پیش از این نیز در اظهاراتی خواستار زندانی کردن زنان روبرنده‌دار، ممنوعیت استفاده از قرآن در هلند و پرداخت پول به مهاجران مسلمان برای ترک این کشور شده بود.

قبل از پخش فیلم، در سوم فروردین (۲۲ مارس) انجمن مسلمان هلند پیشنهاد کرد که «پیش‌نمایش فیلم را ببیند و فیلم را برای هر مورد غیرقانونی بررسی کنند و وایلدرز نیز در یک گفت‌وگو با حضور طرفداران و مخالفان فیلم شرکت کند» اما او نپذیرفت. «وایلدرز پیش از این گفته بود اگر قرار باشد صفحاتی را که افراد را به نفرت و خشونت دعوت می‌کند از قرآن جدا کنیم، هیچ چیز قابل توجهی باقی نمی‌ماند و آنچه باقی می‌ماند، مثل مجله‌ای کودکانه خواهد بود.

وی همچنین در مصاحبه‌ای وعده داده بود که در ملاءعام «قرآن مجید» را پاره پاره خواهد کرد و یا آن را به آتش خواهد کشید. وایلدرز با بی‌شرمی، «قرآن کریم» را با کتاب «برد من» هیتلر که شرح حال زندگی سیاسی مستبد آلمان است، قابل قیاس دانست. وایلدرز که خود را حامی آزادی بیان معرفی می‌کند، در پاسخ به انتقادات و اعتراض‌ها گفته است اگر این فیلم را درباره کتاب مقدس / انجیل می‌ساخت، با چنین اعتراضاتی مواجه نمی‌شد: «ما نباید به افرادی که به روش‌های غیرمردم‌سالار متوسل می‌شوند، به آن‌هایی که به جای استدلال و منطق به خشونت روی می‌آورند و به جای گفت‌وگو از چاقو استفاده می‌کنند اجازه دهیم برای ما تعیین تکلیف کنند».

گرت وایلدرز که پیش از این در اظهاراتی گفته بود: اگر فیلمش در سینما اکران نشود، به‌طور حتم در تلویزیون یا اینترنت نمایش داده خواهد شد سرانجام فیلم ضد قرآنی‌اش را روی اینترنت به نمایش گذاشت و موج خشم و اعتراضات مسلمانان را برانگیخت.

این سیاستمدار اسلام‌ستیز پس از آنکه تلویزیون‌های هلند از پخش فیلم جنجالی وی خودداری کردند، این فیلم پس از چند ماه تبلیغ و اعلان، هشتم فروردین ۱۳۸۷ (۲۷ مارس ۲۰۰۸م) به دو زبان انگلیسی و هلندی بر روی اینترنت منتشر شد. هرچند این فیلم قرار بود ۲۸ مارس بر روی اینترنت قرار بگیرد. وایلدرز فیلم «فتنه» را در ساعت ۷ بعدازظهر ۸ فروردین

به وقت هلند روی سایت ویدئویی لایولیک (Liveleak) بر روی اینترنت منتشر کرد؛ اما این سایت آمریکایی به دلیل آنچه که حفظ امنیت کارکنان خود در انگلیس خواند، پس از یک روز پخش، این فیلم را از روی سرور خود برداشت. سایت مزبور این رخداد را مصیبتی بزرگ برای آزادی بیان دانست.

فیلم توهین‌آمیز و ضداسلامی که دیدگاه‌های «گرت وایلدرز» نماینده مجلس و دبیر یکی از احزاب افراطی هلند درباره اسلام و قرآن را مطرح می‌کند، با رویکرد اسلام‌هراسی در اروپا به مقدسات مسلمان حمله کرد.

گرت وایلدرز در پی قرار گرفتن فیلم ضداسلامی‌اش در شبکه اینترنت گفت: در صورت آسیب دیدن منافع هلند در پی انتشار فیلم‌اش مسئولیتی در این زمینه ندارد و در توجیه این اقدام توهین‌آمیز خود گفت: من با تولید این فیلم می‌خواهم مشوق بحث در این زمینه باشم. گرت وایلدرز در پاسخ به انتقادهای گسترده به فیلم فتنه گفته بود: او نشان می‌دهد که چگونه قرآن «عدم تحمل، قتل و ترور را الهام می‌دهد». وایلدرز روز ۲۳ مارس تأکید کرد فیلم او نه درباره مسلمانان بلکه درباره اسلام و قرآن است. او فیلم خود را «آخرین هشدار به غرب» خواند و تأکید کرد «مبارزه برای آزادی تازه شروع شده است» (خشم مسلمانان از انتشار فیلم ضداسلامی نماینده هلند، ۱۳۸۷).

نقد و تحلیل فیلم فتنه

گریت وایلدرز نماینده پارلمان هلند با ساختن فیلم کوتاه «فتنه» و تلفیق قرآن با اعمال تروریستی وهابیان که وظیفه‌ای جز ریختن خون دیگر مسلمانان ندارند، خواست نشان دهد اسلام با تروریست برابر است و درعین حال، به بهانه دفاع از آزادی بیان، سنگی به قامت رعنا‌ی اسلام بزند. عنوان فیلم «FITNA» از کلمه عربی «فتنه» گرفته شده که به دو معنا استعمال می‌شود. یکی «اختلاف و تفرقه در میان مردم» و دیگری «آزمایش دین در زمان‌های آزمایش» و تهیه‌کننده با توجه به معانی مذکور اسم فیلم را «FITNA» انتخاب کرده است.

نمای اولیه فیلم وایلدرز، جلدی از قرآن را به همراه عبارت «مراقب باشید»، این کتاب حاوی تصاویر تکان‌دهنده‌ای است! به نمایش می‌گذارد. در این فیلم صحنه‌هایی از پاره کردن قرآن کریم و توهین به دین مبین اسلام وجود دارد. همچنین در آن آیاتی از قرآن در کنار تصاویر اعدام‌ها در عربستان سعودی و سر بریدن‌ها در عراق و سنگسارها در ایران قرار داده شده است.

در صحنه آغازین این فیلم ۱۵ دقیقه‌ای آیات ۳۹ و ۶۰ سوره انفال قرآن تلاوت می‌شود و در پی آن صحنه حملات ۱۱ سپتامبر به آمریکا نمایش داده می‌شود. مکالمات تلفنی یک زن با یکی از قربانیان این حادثه و تصاویری از این حمله از جمله سقوط یکی از ساکنان از بالای

برج نشان داده می‌شود. سپس در یک سخنرانی یکی از مسلمانان چنین می‌گوید: «خداوند از اینکه غیرمسلمانان را به قتل برسانید، خشنود خواهد شد».

تصاویر بمب‌گذاری‌های لندن در ژوئیه ۲۰۰۵ و مارس ۲۰۰۴م. مادرید، صحنه‌های سر بریدن و تصاویری از تئو ونگوگ کارگردان که در سال ۲۰۰۴م. به دست بنیادگرایان اسلامی به قتل رسید و نماگرهایی از رشد جمعیت مسلمانان در هلند و اروپا نیز در فیلم «فتنه» گنجانده شده است و پس از نمایش نوشته «آینده هلند؟» تصاویری از کودکان با صورت‌های خون‌آلود و زنی که سنگسار می‌شود، نمایش داده می‌شود.

در بخشی از فیلم تصویر محمود احمدی نژاد، رئیس‌جمهوری ایران، نمایش داده می‌شود که در سخنرانی خود می‌گوید: «پیام انقلاب پیام جهانی است و در جغرافیا و زمان محدود نمی‌شود. تردید نکنید که انشاءالله اسلام کجا را فتح خواهد کرد؟ اسلام همه قله‌های جهان را فتح خواهد کرد».

در بخش دیگری از فیلم نیز تصویر و سخنان آیت‌الله مشکینی (رضوان الله تعالی علیه)، رئیس پیشین مجلس خبرگان رهبری، آورده شده که می‌گوید: «دین اسلام، دینی است که دنیا را می‌خواهد اداره کند و اداره کرده و بالاخره اداره خواهد کرد».

فیلم سپس به سنگسار زنان زناکار و اعدام همجنسگرایان در ایران اشاره می‌کند. در مصاحبه‌ای گفته می‌شود: «اگر همسر یا خواهر من با فردی نزدیکی کند، من بی‌تردید وی را خواهم کشت».

این فیلم پانزده دقیقه‌ای در بخش اول خود به صورت متناوب آیه‌ای از سوره‌های قرآن را تلاوت می‌کند و سپس رابطه‌ای میان مضمون آیه را با خشونت‌های تروریستی یا اندیشه‌های افراط‌گرایانه برجسته می‌سازد؛ برای مثال در آغاز فیلم صفحه‌ای از قرآن باز می‌شود و آیه‌ای قرائت می‌شود که در آن «مؤمنان ترغیب به دشمنی با دشمنان الله می‌شوند». پس از آن تصاویری از جمله برخورد هواپیماها به برج‌های مرکز جهانی تجارت در نیویورک به نمایش درمی‌آید. صحنه‌هایی از بمب‌گذاری‌های لندن و مادرید و قتل کارگردان ضد اسلامی هلندی نیز در فیلم آمده است. در صحنه‌هایی از این فیلم نیز قمه خوردن کودکان شیعه عراقی توسط مادرانشان در عاشورا و اعدام زنی افغانی توسط طالبان در زمین فوتبالی در کابل را نشان می‌دهد.

سیاست‌مدار هلندی همچنین از تصاویری که می‌داند برای مسلمانان توهین‌آمیز است، مانند کاریکاتور جنجالی پیامبر اسلام (ص) با عمامه‌ای که در آن بمبی جاسازی شده، استفاده می‌کند. در بخش دوم، فیلم بر حضور مسلمانان در هلند و اروپا متمرکز می‌شود و تفاوت باورهای دینی آنان را درباره زناکاران و جهاد و روابط همجنسگرایانه برجسته می‌سازد و آن‌ها را به عنوان خطری برای جوامع اروپایی مطرح می‌کند.

در این فیلم کوتاه روایت کلامی وجود ندارد و فیلم صرفاً با کنار هم گذاشتن آیات و صحنه‌هایی از فیلم‌های تلویزیونی مختلف و یا بریده‌ی روزنامه‌ها روایت خود را پیش می‌برد. در این فیلم صحنه‌هایی از ویدئوهای سر بریدن غریبان توسط افراد گروه القاعده، سخنرانی‌های شدیدالحن خطبای اسلامی از شبکه تلویزیونی اقره عربستان سعودی و صحنه‌های مربوط به کشته شدن کارگردان هلندی ضداسلام، تئون ونگوگ به دست یک مراکشی مسلمان گنجانده شده است. در صحنه‌هایی از فیلم سخنرانی امامان مساجد و جمعه به زبان عربی در خصوص یهودکشی و یهودستیزی برجسته می‌شود. البته این موضوع را امان پور در مستند جنگجویان الهی در قسمت «دین اسلام» در قالب اپیزودی با عنوان «قتل مقدس» نیز با رویکرد القای اسلام‌هراسی در اروپا پرداخته است.

فیلم گریت وایلدرز با تظاهر به آغاز پاره کردن صفحه‌ای از قرآن که به زعم او حاوی آیات مبلغ خشونت است، محوسازی تصویر پایانی فیلم را پیش از انجام آن تمام می‌کند. صدای پاره شدن صفحه شنیده می‌شود اما در تیتراژ پس از این صحنه می‌آید: «صدایی که شنیدید، صدای پاره کردن صفحه‌ای از کتاب شماره‌های تلفن بود».

او در این تیتراژ می‌گوید: «دولت می‌خواهد که شما به اسلام احترام بگذارید؛ اما اسلام برای شما احترامی قائل نیست». در تیتراژ پایانی فیلم پیام‌هایی می‌آید درباره اینکه باید ایدئولوژی اسلامی را شکست داد؛ همان‌طور که ایدئولوژی کمونیستی شکست داده شد.

با همه‌ی اوصاف فیلم، در سه مرحله نسبت به اسلام و ترور، جهانی‌شدن اسلام و اسلام در اروپا (و به‌ویژه هلند) به مخاطب هشدار می‌دهد.

فیلم در هر مرحله آیات قرآن را مطرح می‌کند و پس از آن، صحنه‌های ترور، جنگ یا شکنجه مسلمانان را به صورت عکس یا فیلم نمایش می‌دهد. آیات ۳۹ و ۶۰ سوره انفال، آیات ۸۹ و ۵۶ سوره نساء و آیه ۴ سوره محمد (ص) در طول فیلم تلاوت می‌شود.

در طول فیلم سخنرانی‌هایی از شخصیت‌های عرب پخش می‌شود که مخالفشان را با غیرمسلمین و یهودیان ابراز می‌کنند. در مصاحبه‌ای با یک خردسال مسلمان از وی پرسیده می‌شود چرا از یهودی‌ها نفرت داری؟ و وی جواب می‌دهد چون خدا در قرآن گفته است.

فیلم مسلمانان را به نازی‌ها نسبت می‌دهد. در صحنه‌هایی از فیلم زنان مسلمان تابلوهایی بر دست دارند که بر آن نوشته شده است: «رحمت خداوند بر هیتلر» و یا «برای یک هلوکاست واقعی آماده باشید». همچنین در عکسی، گروهی مسلمان نقابدار نمایش داده می‌شوند که به حالت نازیست‌ها احترام نظامی گذاشته‌اند. برخی از مسلمانان در این فیلم ادعا می‌کنند که اسلام بالاترین و ارجح‌ترین دین است و هر دین دیگری، چه مسیحی و چه یهودی ناپذیرفتنی است. اسلام تمام اروپا و آمریکا را فتح خواهد کرد و در جهان پیروز و مسلط خواهد شد.

در انتها فردی یکی از صفحات قرآن را به دست می‌گیرد، تصویر تیره می‌شود و صدای پاره شدن کاغذ پخش می‌شود. سپس متنی نمایش داده می‌شود که: «صدایی که شما شنیدید صدای

پاره‌شدن برگگی از دفترچه تلفن بود. این وظیفه من نیست؛ بلکه وظیفه مسلمانان است که آیات تنفرآمیز را از قرآن پاره کرده و به دور بیندازند. مسلمانان از شما می‌خواهند جا را برای رشد اسلام باز کنید؛ ولی اسلام امکان رشد را برای شما باز نمی‌گذارد. حکومت اصرار می‌کند که شما به اسلام احترام بگذارید اما اسلام به شما احترام نمی‌گذارد. اسلام می‌خواهد حکومت کند، ما را مطیع کند و به دنبال نابود کردن تمدن غربی ماست. در سال ۱۹۴۵م. نازیسم در اروپا شکست و در سال ۱۹۸۹م. کمونیسم در اروپا شکست خورد و اکنون باید ایدئولوژی اسلامی شکست بخورد».

در مجموع، فیلم گزینشی است از سوره‌های قرآن که با بریده‌هایی از روزنامه‌ها و کلیپ‌ها ترکیب شده و با محورهای زیر ساخته شده است:

۱. قرآن و ترور، که به پنج آیه به عنوان مؤیدهای موضوع‌های زیر استناد شده است:

- قرآن و حمله ۱۱ سپتامبر؛

- قرآن و یهودی‌ستیزی؛

- قرآن و قتل کارگردان هلندی و سر بریدن گروگان‌ها به دست القاعده؛

- قرآن و ارتداد؛

- قرآن و جهانی شدن اسلام؛

۲. اسلام و هلند.

۳. لزوم مقابله با گسترش اسلام در هلند و اروپا.

این فیلم در کنار اهانت به پیامبر(ص) تلاش کرد با روش عقلی و استنباط از آیات قرآن، مخاطب را مجاب کند که:

قرآن حمله‌های تروریستی به غیرمسلمان‌ها را ترویج می‌کند؛

قرآن یهودی‌ستیزی را تبلیغ می‌کند؛

قرآن مسلمانان را به کشتن و سربریدن غیر مسلمان‌ها ترغیب می‌کند؛

۴. دین اسلام می‌خواهد با کشتن طرفداران سایر ادیان بر دنیا غلبه یابد.

آیه‌هایی که در این فیلم استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. سوره انفال (سوره ۸) آیه ۶۰، برای توجیه حمله‌های تروریستی به‌ویژه حملات ۱۱ سپتامبر

۲۰۰۱ و بمب‌گذاری ۱۱ مارس ۲۰۰۴ مادرید اسپانیا و بمب‌گذاری هفتم جولای ۲۰۰۵ لندن.

۲. سوره نساء (سوره ۴) آیه ۵۶، به عنوانی توجیهی برای یهودی‌ستیزی.

۳. سوره محمد (سوره ۴۷) آیه ۴، برای توجیه سر بریدن گروگان‌ها به دست القاعده.

۴. سوره نساء (سوره ۴) آیه ۸۹، برای مجازات مرگ برای ارتداد در اسلام که با کشتن پیروان

سایر ادیان به دنبال غلبه جهانی است.

با همه این اوصاف، فیلم فتنه، تدوینی از تصاویر خشن و عملیات تروریستی که به اسلام نسبت داده شده و تصاویری از بدعت‌هایی در اسلام است. فیلم شامل دو بخش است: بخش اول به بیان برخی آیات و احکام اسلامی می‌پردازد و با استدلال به آیات قرآن و بیان آن‌ها می‌خواهد چهره‌ای از اسلام را نمایش دهد. چهره‌ای که از اسلام نشان می‌دهد همان حرف‌های تکراری و همیشگی است که با برداشت از برخی بدعت‌ها صورت گرفته، برداشت از آیات قرآن که در جنگ به پیامبر (ص) نازل شده و در بیان حالت جنگ برای نشان دادن چهره اسلام است.

۱. فیلم سرشار از توهین و دروغ است، در این زمینه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:
الف. تمام تصاویر در صفحات کتابی با برگ‌های کاهی نمایش داده می‌شود که گویی قرآن است و خشونت‌ها و عملیات‌های تروریستی همه از درون قرآن سرچشمه می‌گیرد؛
ب. استفاده از کاریکاتور پیامبر اکرم (ص) در اول و آخر این کتاب و شروع ثانیه‌شماری در اول باز شدن و پایان کتاب که گویی قرآن است و منفجر شدن این کتاب آسمانی؛
ج. بیان ترجمه اشتباه از آیات استفاده‌شده و استفاده از آیتی که در زمان جنگ نازل شده است، نه برای زمان صلح؛
د. نسبت دادن عملیات‌ها تروریستی ۱۱ سپتامبر و انفجار قطار در اسپانیا و... به قرآن و مسلمانان؛

هـ. استفاده از بدعت‌ها در این فیلم و نشان دادن آن به عنوان اسلام.

قسمت اول این فیلم، ناشی از تصورات غلط و برداشت‌های سوءکارگردان «گریت وایلدرز» و بی‌اطلاعی او نسبت به دین اسلام و نه استدلال است. استفاده از آیات قرآن و تعبیرها و بیان معانی نادرست آیات نه از روی استدلال و عقل است بلکه نشان‌دهنده سوءغرض و هدفمندی از تولید چنین فیلمی است. بخش دوم به غربی‌ها هشدار می‌دهد که آگاه باشید که اسلام اروپا را فتح خواهد کرد و اسلام مخالف آزادی است و باید برای آزادی به مبارزه با اسلام برخیزیم. این فیلم جایی برای انتقاد بر قرآن و اسلام ندارد بلکه از آغازش که جلد قرآن را نشان می‌دهد تا صفر شدن ثانیه شما و منفجر شدن و بسته شدن قرآن توهین است.

نتیجه‌گیری

شیوه‌های دشمنی استکبار با اسلام همواره و روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. در این زمینه، یکی از اهداف سناریوی اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را می‌توان به جلوگیری از رویکرد مردم غرب به اسلام اشاره داشت؛ زیرا گسترش جمعیت مسلمانان از یک سو و رویکرد مردم غرب به اسلام و همچنین کاهش و یا منفی شدن نرخ رشد جمعیت در کشورهای اروپایی، احساس نگرانی عمیقی را در نزد سردمداران غربی به وجود آورده است، به گونه‌ای که با انتشار برخی آمارها، پیش‌بینی کرده‌اند که تا چند دهه آینده اروپا قاره‌ای مسلمان خواهد شد؛ از این رو عملیاتی شدن

راهبرد اسلام‌ستیزی در نزد سیاست‌گذاران اروپایی، برای مقابله و مهار این روند در قالب این ترفند است. در کنار این مهم ایجاد تقابل مسیحیت با اسلام نیز بخشی دیگر از سناریوی رسانه‌های خبری است که اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی باعث رویکردهای منفی مانند خشونت، انزجار و اشاعهٔ باورهای نادرست ضدمسلمانان گرداند که در نهایت، می‌تواند منجر به تقابل بین مسیحیت و اسلام شود.

سناریوی دیگر در قالب اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی به مثابه مهار جمهوری اسلامی است که امروز در سیاست‌های رسانه‌ای و تولیدات رسانه‌های غربی دنبال می‌شود؛ در واقع، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در نزد طراحان سلطه‌گر مترادف با ایران‌هراسی و ایران‌ستیزی است. بر همین اساس، مقامات آمریکایی بارها ایران را محور شرارت در منطقه و جهان معرفی کرده‌اند. از این نظر، راهبرد اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در واقع، ناظر بر تلاش برای مهار همه‌جانبهٔ ایران از طریق انزوای جمهوری اسلامی در مناسبات بین‌المللی، ایجاد اجماع و محدودیت‌های اقتصادی ضدایران، ایجاد شکاف و تقابل بین جمهوری اسلامی و کشورهای عربی منطقه است.

خلاصه کلام اینکه امروز غرب و لابی صهیونیسم تمام هم و غم خود را با بهره‌گیری از ابزار رسانه در زمینهٔ مقابله با اسلام و بیداری اسلامی در جهان به کار گرفته است و در این کارزار نرم می‌کوشد اسلام را بعنوان مهم‌ترین دشمن دنیای غرب و سرمایه‌داری در رسیدن به اهداف خود برای افکار جهانی بازنمایی کند.

پی‌نوشت

1. European Center on Combating Racism and xenophobia – EUMC 2002.

منابع

اسلام‌هراسی از سربریتسا تا الشربینی یکشنبه، ۲۸ تیر ۱۳۸۸:

<http://sartitr.ibsblog.ir>

امرسون استیفن، رامظفر چاند و مارتینز پرسیلا، *اسلام و رسانه‌های غربی*، ترجمهٔ نشریه سیاحت غربیه ش ۳۵، ۱۳۸۵.

بودریار، ژان. *سرگشتگی نشانه‌ها، نمونه‌هایی از نقد پسا مدرن*، ترجمه و تألیف مانی حقیقی، انتشارات نشر مرکز، ۱۳۷۴.

بویری، محمد. تا آخر عمرش در زندان‌های هلند خواهد ماند.

تاریخ بازدید: ۱۳۸۷/۱/۱

www.farhangnews.ir

توحیدی، محمد. تحریف آیین مسیح در گذر تاریخ، ۹ تیر ۱۳۸۹.

www.feragh.com

جواد ادبی، محمد. *اسلام‌هراسی، بنیادگرایی، تروریسم، مجمع جهانی صلح اسلامی*، مجموعه مقالات همایش جهان

اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.

دالگران، پیتر. *تلویزیون و گسترهٔ عمومی*، ترجمهٔ مهدی شفقتی، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.

رضوی زاده، سید نورالدین. *وانامی و سلطه در جریان بین‌المللی خبر*، مجموعه مقالات دومین سمینار برای مسائل مطبوعات ایران، جلد ۲، انتشارات رسانه، ۱۳۷۷.

سراج، رضا. *راهبرد قدرت نرم آمریکا بر ضد جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه عملیات روانی، سال چهارم، ش ۱۶، ۱۳۸۶.

سعید، ادوارد. *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، نشر توس، ۱۳۷۹.

سعید، ادوارد. *پوشش خبری اسلام در غرب*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

سعید، ادوارد. *شرق‌شناسی*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

شعارغفاری، پرویز. *تبلیغات خبری و منافع ملی*، فصلنامه رسانه، ویژه‌نامه آموزشی ۱، ۱۳۷۴.

شلاشیرت، هوبرت. *شگردها، امکان‌ها و محدودیت‌های بحث با بنیادگرایان (درآمدی بر روشنگری)*، ترجمه محمدرضا نیکفر، طرح نشر نو، ۱۳۸۰.

شیمیل، آنه ماری. *درآمدی بر اسلام*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

شیمیل، آنه ماری، محمد رسول خدا، ترجمه دکتر حسن لاهوتی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه. *قانون منع حجاب و تعارض آن با اصول دموکراسی*، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه.

غضنفری، سعید. *موج سوم اسلام‌ستیزی غرب*، ۲۵ آبان ۱۳۸۹ پایگاه:

<http://www.women.gov.ir>

کاستلز، مانوئل. *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد ۲، نشر: طرح نو، ۱۳۸۵.

لین، تونی. *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، نشر فروزان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

مهدیزاده، سیده‌محمد. *تصویر سازی منفی رسانه‌های غرب از جهان اسلام و ملل شرق*، فصلنامه رسانه، سال ۱۲، ش ۴۷، ۱۳۸۰.

نیک ملکی، محمد. *تحلیل گفتمان مستند جنگجویان الهی*، اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صداوسیما، ۱۳۸۷.

نیوزروم، واحد مرکزی خبر، *ارائه طرح پیش از موعد مقرر برای ممنوعیت روبنده زنان مسلمان در خیابان‌ها و امکان عمومی به پارلمان فرانسه*، ۱۳۸۸.

هوسمن، کارل. *بحران وجدان*، ترجمه داود حیدری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۶.

هینلز، جان راسل. *راهنمای ادیان زنده*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۶.

Postman, Neil. *Sing Ourselves to Death: Public Discourse in the Age of Show Business*. Published in Amu, 1984

<http://sairan.fatehnet.net/culture>

<http://tardid.com>

<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>